

ساختارهای فرهنگی حاکم بر جامعه ما به گونه‌ای است که مانع رشد و توسعه بایسته کشور ما شده است، لذا هر گونه تلاش در جهت توسعه، به مدد الگوهای تجویزی، اعم از الگوهای اروپایی یا آسیایی، بدون ایجاد تغییر در ساختارهای فرهنگی، صرفاً امری مقطعی و روبنایی است. بنابراین به منظور مقدمه‌ای بر انجام هر تغییر بایسته، در جهت توسعه اقتصادی و تعالی علمی، باید با تبیین عوامل مؤثر در ساختار فرهنگی حاکم بر جامعه، در پی این مهم باشیم که چه جوهی از فرهنگ ما مانع رشد و توسعه در کشورمان بوده است. نگارنده، با قبول نظر آن دسته از صاحب‌نظرانی که معتقدند یکی از عمده‌ترین عوامل توسعه در هر کشور، وجود انگیزه و حس قوی توفیق‌طلبی در افراد و آحاد جامعه است، همچون دیوید مک‌کله‌لند و همفکران وی و کسانی چون شومپتر، نظریه‌پرداز و اقتصاددان معاصر، که معتقد است رشد و توسعه اقتصادی منوط به وجود افراد خلاق، مبتکر و نوآور است، بر آن شده است تا انگیزه توفیق‌طلبی را که هم متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه و هم مؤثر بر آن است مورد بررسی قرار دهد و چند و چون آن را در جامعه ایرانی دریابد.

همان‌گونه که اشاره شد، موضوع این کتاب بررسی انگیزه توفیق‌طلبی در جامعه ایرانی است که میزان آن رابطه مستقیمی با توسعه و تعالی اقتصادی، علمی و اجتماعی جامعه دارد. انگیزه توفیق‌طلبی بازتاب عوامل مختلف مؤثر بر جامعه است؛ بدین معنی که آنچه موجب افزایش یا کاهش این انگیزه در افراد جامعه می‌شود، متأثر و منبعث از عوامل مختلفی از جمله روابط اجتماعی، روابط اقتصادی، مسائل سیاسی، باورهای جامعه [اعم از آیین، آداب و رسوم، تاریخ، ادبیات، هنر، و...] است و همچنین انگیزه توفیق‌طلبی، خود بر این عوامل و نوع نگاه به آنها اثر می‌گذارد. لذا برای شناخت عوامل مؤثر بر این انگیزه، لازم است یک بررسی تحلیلی و همه‌جانبه به منظور وقوف بر چگونگی رشد این انگیزه و تأثیر آن بر فراز و فرود رشد و توسعه در ایران پس از اسلام به انجام رسد.

در این بررسی دو دوره متمایز مشخص شده است: دوره‌ای که در آن تحت تأثیر عوامل سیاسی، اجتماعی و باورهای مذهبی، این انگیزه بالا بوده و در نتیجه

مقدمه

یکی از عمده‌ترین مسائلی که همواره ذهن بسیاری از اندیشمندان، سیاستمداران، اقتصاددانان، مدیران و دیگر صاحب‌نظران را به خود مشغول داشته است مسئله توسعه اقتصادی، رشد علمی، ارتقاء فرهنگی و تعالی اجتماعی است. لذا هر گروه از اندیشمندان، با توجه به تخصص خود، چگونگی رشد و توسعه جوامع را در ابعاد مختلف تحقیق کرده، و در این مسیر گذشته، حال و آینده جامعه خویش را بررسی کرده‌اند. آنها برای پی بردن به جایگاه جامعه خویش نسبت به سایر جوامع، ویژگیها و تواناییهای بالقوه و بالفعل خود را با دیگر کشورها مقایسه کرده و کوشیده‌اند با شناخت نقاط قوت و ضعف خویش راهی به سوی رشد و توسعه بیابند. در این راستا برخی از اهل نظر بر آن بوده و هستند که ره چنان رو که رهروان رفتند از این‌رو، اخذ الگوی توسعه از کشورهای توسعه‌یافته را تجویز می‌کنند، و این شیوه از دیرباز در این مرز و بوم، معمول و مرسوم بوده است. گروهی نیز بر این باورند که با وجود تفاوت‌های فراوان کشورها در زمینه‌های مختلف از جمله تفاوت‌های جغرافیایی، آب‌وهوایی، جمعیتی، قومی و خصوصیات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... باید در پی یافتن روشی بود که با ویژگیها و خصلتهای خاص هر کشور سازگار باشد.

نگارنده با این باور که هر گونه رشد، توسعه، ارتقاء و تعالی اقتصادی، علمی و فرهنگی باید مبتنی بر فرهنگ بومی آن قوم باشد و با استناد به این واقعیت که در طول دوران تقلید و الگوبرداری در ایران، به ویژه در قرون اخیر، هرگز اهداف مورد نظر در زمینه توسعه، تحقق نیافته است، در پاسخ بدین پرسش که اصولاً علت یا علل توسعه‌نیافتگی کشورمان، با توجه به تواناییهای بالقوه جامعه ما چیست، بدین باور رسیده است که عمده‌ترین عامل توسعه‌نیافتگی کشور ما فرهنگی است، بدین معنی که

درخشان‌ترین فصل تاریخ علم و ادب و سیاست در آن رقم خورده است، و دوره‌ای که این انگیزه کاهش یافته و رکود و رخوت در ابعاد مختلف علمی، اجتماعی و اقتصادی بر جامعه مستولی گردیده است.

به منظور تبیین میزان شدت و ضعف این انگیزه در دوره‌های مذکور، نگارنده به تبعیت از دیوید مک کله‌لند، بنیان‌گذار مطالعات همه‌جانبه در مورد انگیزه توفیق‌طلبی، تاریخ و ادبیات این مرز و بوم را که در واقع آینه تمام‌نمای اوضاع اجتماعی این کشور است، در حد بضاعت خویش مورد بررسی قرار داده و کوشیده است فراز و فرود و وجود این انگیزه را در ادوار مختلف تاریخ این ملت کهنسال باز نماید.

به منظور تبیین اهمیت موضوع، باید مسئله را از دو منظر مورد بررسی قرار داد: نخست شناخت انگیزه توفیق‌طلبی و تأثیر آن در رشد و توسعه کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، علمی و اجتماعی، و سپس وقوف بر میزان این انگیزه در جامعه ایرانی، در گذشته و حال.

از آنجا که انگیزه توفیق‌طلبی، بازتاب عوامل مختلف اجتماعی است و به عبارتی دیگر، یک ویژگی اجتماعی متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است شناخت آن مستلزم شناخت فرهنگ هر قوم است. با عنایت به این نکته که فرهنگ هر قوم ریشه در اعماق تاریخ حیات آن قوم دارد و از سیر تطور عوامل مختلفی چون آداب و رسوم، دین و آیین، علم و ادب، تحولات سیاسی، اجتماعی و ... که فرهنگ آن قوم را شکل داده، متأثر است این پژوهش، هر چند گامی است کوتاه ولی بر آن است تا با بررسی گوشه‌هایی از تاریخ و ادبیات این قوم، نشان دهد که عمده‌ترین عوامل رشد و شکوفایی، یا رکود و سکون این قوم چه بوده و چیست.

این اثر به منظور تحقق اهدافی چند تدوین شده است:

ابتدا تبیین تأثیر «انگیزه توفیق‌طلبی» در توسعه و تعالی و رشد همه‌جانبه جامعه و سپس روشن ساختن این مهم که اگرچه انگیزه توفیق‌طلبی و قوت و ضعف آن، مقوله‌ای است روان‌شناختی اما این انگیزه به شدت متأثر از فرهنگ حاکم بر جامعه است.

هدف دیگر این پژوهش، نشان دادن تأثیر فرهنگ حاکم بر کشور، در انگیزه

توفیق‌طلبی افراد جامعه و نتایج مترتب بر آن، در ادوار گذشته ایران زمین است. در پایان بر خود فرض می‌دانیم مراتب سپاس و تشکر خود را به پاس الطاف بی‌دریغ و راهنمایی‌های ارزشمند برادر ارجمند جناب آقای نادر جعفری، عضو محترم هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، که مساعدتهای ارزنده ایشان زمینه‌ساز ارائه این اثر شد خدمت ایشان معروض داشته، توفیق روزافزون ایشان را از درگاه احدیت مسئلت نمایم.

سید علی علوی

زهره‌محبوب جهرمی